

از گفت‌وگو تا دشمنی؛ بحران بلوغ سیاسی در میان اپوزیسیون ایران

روزی نیست که دست جنایت‌کاران جمهوری اسلامی به خون فرزندان رشید این سرزمین رنگین نشود. هر روز اعدام، شکنجه و سرکوب؛ صحنه‌هایی که بیش از چهل‌وپنج سال است ملت ایران با چشمان خود نظاره‌گر آن است. با این حال، به جای انسجام و وحدت برای بیرون‌راندن این ظالمان و بیگانگان از میهن، متأسفانه شاهدیم که بسیاری از نیروهای سیاسی به جان یکدیگر افتاده‌اند.

کسانی که بیش از چهل‌وپنج سال است از وطن دور مانده‌اند و امروز با ادعاهای بی‌پایه و اساس بر پایگاه اجتماعی خود تأکید می‌کنند، موضوعی است که نیاز به تأملی جدی دارد. روشن است که آنان که زبان دیالوگ و گفت‌وگو را نیاموخته‌اند و تنها به تهدید، تهمت و تخریب متوسل می‌شوند، نه به آزادی می‌اندیشند و نه به آینده ایران

در میان بسیاری از گروه‌های اپوزیسیون، متأسفانه کسانی رشد یافته‌اند که بی‌ادبی، بی‌احترامی و فحاشی را به جای فرهنگ سیاسی جا زده‌اند. تأسف‌بارتر اینکه این افراد سال‌ها در کشورهای متمدن زندگی کرده‌اند، اما از آموختن ابتدایی‌ترین اصول گفت‌وگو و احترام متقابل عاجز مانده‌اند

عده‌ای نیز با پیشنهادهایی چون «دکتر» و «مهندس» خود را معرفی می‌کنند، اما در عمل نه تنها درک سیاسی ندارند بلکه از اخلاق، متانت و درایت نیز بی‌بهره‌اند. فرض کنیم فردای آزادی ایران و در خلأ قدرت، چنین افرادی بخواهند نقشی ایفا کنند — آیا می‌توانند چهره‌هایی مورد اعتماد مردم باشند؟ آیا ملت رنج‌دیده ایران، رهبری را خواهد پذیرفت که در دوران مبارزه، به جای اتحاد و ادب، نفرت و نفاق کاشته است؟

در هر کشوری، وقتی فرهنگ گفت‌وگو و ادب سیاسی از بین برود، نتیجه چیزی جز ویرانی اجتماعی و سیاسی نخواهد بود — همان‌گونه که در کشورهای همسایه‌مان مشاهده می‌کنیم. آیا احزاب و جریان‌هایی که چنین افرادی را پرورش داده‌اند، یک‌بار اندیشیده‌اند که این رفتارها نه تنها به نفع آنها نیست بلکه به چهره اپوزیسیون در چشم مردم لطمه‌ای جبران‌ناپذیر وارد می‌کند؟

سیاستمدار واقعی آن است که محبوبیت و مشروعیت خود را از مردم بگیرد، نه از هیاهو و فریاد. رهبری، نه با برچسب و نه با ناسزا، که با خرد، اعتماد و اخلاق ساخته می‌شود. متأسفانه امروز شاهدیم که برخی چهره‌های مدعی اپوزیسیون، به جای مبارزه صریح و مستقیم با رژیم جمهوری اسلامی، تمام توان خود را صرف حمله به شاهزاده رضا پهلوی می‌کنند — بی‌آنکه سخنان یا اهداف او را بشنوند یا حتی درک کنند

این گروه‌ها باید بدانند که مردم ایران از این تفرقه‌افکنی‌ها خسته‌اند. امروز جامعه ایران بیش از هر زمان دیگر به همبستگی، احترام متقابل و اخلاق سیاسی نیاز دارد. تنها با بازسازی فرهنگ گفت‌وگو، تحمل اندیشه مخالف و پرهیز از نفرت‌پراکنی است که می‌توان راهی به سوی آزادی گشود. در غیر این صورت، بار دیگر مردم ایران قربانی خودخواهی و بی‌خردی سیاسی خواهند شد

آینده ایران نیازمند نسلی است که پیش از هر چیز «انسان» باشد، آموخته گفت‌وگو، و باورمند به اخلاق

تا زمانی که دشمن اصلی، یعنی جمهوری اسلامی، پابرجاست، هر گونه جدال و دشمنی در میان مخالفان، تنها آبریختن در آسیاب ستمگران است

با احترام و امید به خرد جمعی،

ب. امیرخانی

3.11.2025